

گزیده امی از کتاب (غنا، موسیقی)

علی مختاری

اشاره:

به یاری خداوند متعال، مباحثی با عنوان «گزیده» در اختیار شما قرار می‌گیرد. این نوع از مقاله‌ها - معمولاً - فشرده یک کتاب، مقاله، یا فصلی از یک اثر است. موضوع این شماره **غنا و موسیقی** می‌باشد که از کتاب «غنا، موسیقی» استخراج شده است. این کتاب اولین نمونه از یک طرح تحقیقاتی فقهی است که به کوشش رضا مختاری و محسن صادقی و جمعی از محققان فاضل حوزه علمیه قم، تهیه شده و بهترین و جامع‌ترین منبع موجود در این زمینه برای فقها و

فضلاست. این اثر اکنون در سه مجلد (۲۷۷۸ صفحه) سامان یافته و بوستان کتاب قم، وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی، پخش آن را به عهده دارد.^۱

۱. ضرورت این مبحث پس از پایان محرم و صفر و شروع عروسیها، بیشتر احساس می‌شود، گرچه نیروی موسیقی در کشور مابری صاحب‌نظران پوشیده نیست و به نام هنر، بودجه‌های کلانی هزینه می‌شود. بسیاری از رسانه‌ها، روزنامه‌ها و مجلات با نشر مقالات، اخبار یا صفحه ویژه و... در این زمینه فعالیتند. به آمار برخی کتابهایی که در سال ۸۰ منتشر شده است توجه کنیم:

در رشته هنر برای معماری، ۲۰ کتاب تألیف، ۱۲ کتاب ترجمه و ۱ کتاب تصحیح شده است. (جمعاً ۲۲ مورد)، ولی برای موسیقی، ۴۱ تألیف و ۱۴ ترجمه (جمعاً ۵۵) اثر ارائه شده است.

جلد اول و دوم، پس از مقدمه طولانی، بیست و هفت رساله خطی را با تصحیح و تحقیق کامل به عنوان بخش اول در خود جای داده است و جلد سوم در ۱۶۰۰ صفحه؛ شامل پنج بخش ذیل است که از بخش دوم مباحث شروع شده است.

دوم: گفتارهای پراکنده درباره غنا؛

سوم: آراء فقیهان درباره غنا؛

چهارم: کتابشناسی غنا؛

پنجم: احادیث غنا؛

ششم: اهل سنت و غنا.

گفتنی است که جلد چهارم این

کتاب نیز در دست تهیه می باشد.

مقاله حاضر گزیده‌ای است از بخش پنجم کتاب، که در ۱۱۹ صفحه،

و دو فصل؛ متن و سند همه احادیث غنا و موضوعات مربوط به آن را با

نظمی خاص آورده است تا برای فقه پژوهانی که مایلند با همه احادیث غنا

یکجا آشنا شوند، سودمند افتد.

سخنان فقها درباره احادیث غنا

پیشاپیش مناسب است سخنان

چند تن از فقهای بنام را، در تفسیر

احادیث غنا یادآور شویم:

شیخ انصاری رحمته الله گوید: «الغناء لا خلاف فی حرمتیه فی الجملة، والأخبار بها مستفیضة، وأدعی فی الإيضاح نواترها.»^۱

صاحب جواهر رحمته الله نیز نوشته است: «والسنة متواترة فيه»^۲

امام خمینی رحمته الله گوید: «فقد وردت روایات مستفیضة أو متواترة علی حرمتیه،

در علوم خاص برای هیأت و نجوم، ۲ تألیف، ۳ ترجمه و ۱ تصحیح و در علوم کاربردی برای مواد معدن جمعاً ۳۳ و برای مهندسی شیمی و نساجی جمعاً ۱۸ و برای علوم نظامی جمعاً ۲ کتاب منتشر شده است.*

در رشته تاریخ و جغرافیا برای تاریخ اسلام و ملل اسلامی، جمعاً ۳۰ اثر و برای تاریخ ایران و ایران شناسی جمعاً ۳۵۱ اثر، منتشر شده است.*

در تهران، تنها یک ناشر؛ حدود هفتاد کتاب درباره موسیقی، ابزار و روش استفاده از آن منتشر و عرضه کرده که عناوین برخی از آنها چنین است: «آموزش دف؛ آموزش تنبک؛ آموزش مقدماتی پیانو؛ دستور مقدماتی تار و سه تار؛ آهنگهای ساده برای گیتار.»**

* گزارش بیستمین دوره معرفی کتاب جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۴-۱۵.

** غنا، موسیقی، ج ۱، مقدمه، ص ۷۰.

۱. المکاسب، ج ۱، ص ۲۸۳، چاپ کنگره شیخ انصاری، نیز رک: ایضاح الفوائد، ج ۱، ص ۴۰۵.

۲. جواهر الکلام، ج ۲۳، ص ۴۴.

وَمَى عَلَى طَوَائِفٍ.^۱

وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ؛^۲ «و از بت‌های پلید و

از سخن باطل بپرهیزید.»

حضرت می‌فرماید: «الغناء»^۳.

همچنین آن حضرت در پاسخ به زید

شحام و دیگران نیز می‌فرماید: «الرجس

مِنَ الْأَوْثَانِ؛ الشَّطْرَنْجِ، وَقَوْلَ الزُّورِ؛ الْغِنَاءُ»^۴

منظور از بت‌های پلید شطرنج است و

منظور از قول زور غنا می‌باشد.»

□ یکی از شیعیان، از حضرت امام

صادق علیه السلام پرسید: من کسی هستم که با

شکار و چوگان سرگرم می‌شوم و خود

را به بازی شطرنج مشغول می‌دارم.

امام علیه السلام فرمود: «... اما صید که تلاشی

بیهوده است و هر که از روی بازیچه،

هوسبازی، بی‌هوده گسرایمی و

خوشگذرانی در پی صید باشد؛

تلاشش بی‌فایده و باطل است و نماز و

روزه‌اش در سفر [معصیت] کامل است

و برآستی که شخص مؤمن چنین

فرصتهایی را ندارد؛ آخرت جویی او را

آیه الله خوئی رحمته الله علیه گوید: «وَالزَّوَايَاتُ

الوَارِدَةُ فِي حُرْمَةِ الْغِنَاءِ وَإِنْ كَانَ أَكْثَرُهَا

ضَعِيفَ السَّنَدِ، وَلَكِنْ فِي الْمُعْتَبَرِ مِنْهَا غِنَى

وَكَفَايَةٌ.»^۲

منابع

همه احادیث کتب اربعه اوائل؛

یعنی کافی، فقیه، تهذیب و استبصار و

کتب اربعه اوخر؛ یعنی وافی، وسائل،

بحار و مستدرک، درباره غنا و مباحث

مربوط به آن، در این بخش درج شده

است و احادیث عامه در بخش ششم،

ضمن دو رساله و ده گفتار از مشهورین

آنان نقل می‌شود. مراجعه کننده به این

بخش، نیازی ندارد تا به سایر منابع

رجوع کند؛ چون همه احادیث با همه

خصوصیات و اختلافات سندی و

متنی با دقت تمام ثبت و ضبط شده

است.

باب ۱. احادیثی که در تفسیر چهار

آیه آمده است:

آیه اول:

□ ابوبصیر از حضرت صادق علیه السلام

درباره «قول الزور» در آیه شریفه ذیل

می‌پرسد. «فاجتنبوا الرجس من الأوثان

۱. المکاسب المحرمه، ج ۱، ص ۲۰۳.

۲. مصباح الفقاهه، ج ۱، ص ۳۰۷.

۳. حج، ص ۳۰.

۴. الکافی، ج ۶، ص ۴۳۱.

۵. همان، ص ۴۳۵.

منظور از «قول زور»
غناست و واقعاً یک مؤمن
برای چنین اموری بیکار
نیست، او را با رامشگری و
نوازندگی چکار؟!
رامشگری و نوازندگی
قساوت قلب و نفاق به بار
می آورد.

گوید: به دستشویی خانه‌ام رفتم، کنیز همسایه‌ام می‌زد و می‌خواند، من لحظه‌ای ماندم و گوش دادم و بیرون شدم. هنگامی که شب فرارسید، به محضر امام صادق علیه السلام [امام زمانم] شرفیاب شدم. آن‌گاه که حضرت مقابل من قرار گرفت، فرمودند: «الغناء»

۱. الأصول الستة عشر، صص ۵۰ و ۵۱، کتاب زید الزسی.

۲. بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۳۵۶؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۱۴-۲۱۶.

از کارهای بیهوده و بازیچه بازداشته است.

و اما شطرنج، در همین مورد است که خدای عزیز و جلیل می‌فرماید: ﴿فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ﴾؛ فَقَوْلُ الزُّورِ: الْغِنَاءُ، وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ عَنْ جَمِيعِ ذَلِكَ لَفِي سُئُلٍ، مَا لَهُ وَلِلْمَلَاهِي إِيَّاكَ فَإِنَّ الْمَلَاهِي تُورِثُ قَسَاوَةَ الْقَلْبِ وَتُورِثُ النِّفَاقَ. وَأَمَّا صَرْبُكَ بِالصَّوَالِحِ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ مَعَكَ يَرْكُضُ، وَالْمَلَائِكَةُ تَنْفِرُ عَنْكَ، وَإِنْ أَصَابَكَ شَيْءٌ لَمْ تُؤْجِرْ، وَمَنْ عَثَرَ بِهِ دَابَّتُهُ فَمَاتَ دَخَلَ النَّارَ؛^۱

پس منظور از «قول زور» غناست و واقعاً یک مؤمن برای چنین اموری بیکار نیست، او را با رامشگری و نوازندگی چکار؟! رامشگری و نوازندگی قساوت قلب و نفاق به بار می‌آورد. اما چوگان زدنت؛ [کار درستی نیست] زیرا شیطان به همراهت می‌دود و فرشتگان از کنار تو کوچ می‌کنند و اگر در این وادی به مصیبتی دچار شدی، پاداشی نداری و هر که را چارپایش بر زمین زند و بمیرد، وارد آتش شود.^۲

□ عبدالله بن ابوبکر بن محمد

آیه سوم:

محمد بن مسلم گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود: «غنا از چیزهایی است که خدای عزوجل بر آن وعده آتش داده است و این آیه را تلاوت فرمود: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ»^۴ و بعضی از مردم سخنان بیهوده را می خرند تا مردم را از روی نادانی، از راه خدا گمراه سازند و آیات الهی را به استهزا گیرند، برای آنها عذابی خوارکننده است.»

پنج روایت، دلالت دارد که یکی از موارد «لهو الحدیث» غنا و موسیقی است.^۵ به عنوان نمونه: ابو امامه از پیامبر

اجتنبوا، الغناء اجتنبوا، الغناء اجتنبوا ﴿اجتنبوا قول الزور﴾؛ از غنا پرهیزید، از غنا پرهیزید، از غنا پرهیزید. [خداوند می فرماید] از قول زور پرهیزید.» وی گوید: امام علیه السلام همواره می فرمود: «الغناء اجتنبوا، الغناء اجتنبوا» تا آنجا که آن مجلس برایم به تنگ آمد، در فشار روحی قرار گرفتم و دانستم که منظورش من هستم. جلسه پایان یافت، وقتی بیرون رفتم به غلامش مُعْتَبَر گفتم: به خدا سوگند، جز من کسی در نظرش نبود.^۱

آیه دوم:

روایاتی در تفسیر آیه شریفه ﴿وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّور﴾^۲ [بندگان خاص خدای رحمان] کسانی هستند که شاهد زور نمی شوند.» وارد شده و

غنا را یکی از مصادیق زور معرفی کرده اند. مجمع البیان، ذیل آیه، می نویسد: یعنی در جلسات باطل حاضر نمی شوند و از این قبیل است مجالس غنا، فحش و ... گفته شده: منظور آیه همان غناست. این تفسیر از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت شده است.^۳

۱. أمالی الطوسی، ص ۷۲۰-۷۲۱، المجلس ۴۳، ج ۳؛ وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۰۹، ۲. فرقان / ۷۲.

۳. مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۸۱، ذیل آیه؛ و ر.ک: الکافی، ج ۶، صص ۴۳۱ و ۴۳۳؛ الوافی، ج ۱۷، ص ۲۰۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۰۴؛ دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۲۰۸، ح ۷۳۶؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۱۳.

۴. لقمان / ۶.

۵. غنا، موسیقی، صص ۲۱۸۱-۲۱۸۳.

کنیز خواننده دارد. در روایت دیگری سخن امام علیه السلام چنین است: «كَيْفَ فَعَلْتُمْ هَذَا؟؛ چگونه این کار را انجام دادید؟» عرض کردیم: جز خانه او جایی دیگر پیدا نکردیم و تا آنجا نرفته بودیم، نمی دانستیم. حضرت فرمود: «فَكُونُوا كَرَامًا؛ بزرگوار باشید.»

ما واقعاً منظورش را درک نکردیم و گمان کردیم می فرماید: کرم کنید و پول بیشتری به او بدهید، از اینرو برگشتیم و پرسیدیم ما منظور حضرت عالی را از جمله «كُونُوا كَرَامًا» نمی دانیم. آن گاه امام علیه السلام فرمود: «آیا نشنیده اید سخن خدای عزیز و جلیل را که در کتابش می فرماید: «وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا»؟^۳ و هنگامی که به لغو و بیهودگی برخوردند، بزرگوارانه از آن می گذرند.

باب ۲. مذمت و نهی از غنا

□ ریان بن صلت در خراسان از

اکرم علیه السلام نقل می کند: «الْإِحْلُ تَعْلِيمِ الْمُغْتَبَاتِ وَلَا يَنْعَمَنَّ، وَأَثْمَانَهُنَّ حَرَامٌ وَقَدْ نَزَلَ تَصْدِيقَ ذَلِكَ فِي كِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي...» وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا زَفَعَ رَجُلٌ عَقْبِرَتَهُ يَتَغَنَّى إِلَّا أَزْدَقَهُ شَيْطَانَانِ يَضْرِبَانِ بِأَرْجُلَيْهِمَا عَلَى صَدْرِهِ وَظَهْرِهِ حَتَّى يَنْسَكْتَ؛ آموزش کنیزان را مشگر، حلال نیست، همچنین فروش آنان و قیمت گذاری آنها حرام است و تصدیق این مطلب در کتاب خداوند متعال نازل شده است که «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي...»؛ سوگند به آن خدایی که جانم در کف اختیار او است، هیچ کس صدایش را به غنا بلند نمی کند مگر این که دو شیطان بر دوشش سوار می شوند و با پاشنه پا بر سینه و پشتش می زنند، تا هنگامی که ساکت گردد.»

آیه چهارم:

گروهی از شیعیان کوفه وارد مدینه شدند و به منزل شخصی که اهل غنا و موسیقی بود، رفتند. ابو ایوب خزاز - که یکی از آنهاست - گوید: سپس نزد امام صادق علیه السلام شرفیاب شدیم، حضرت به ما فرمود: «أَتَيْنَ نَزَلْتُمْ؛ کجا منزل کردید؟!» گفتیم: نزد فلانی که

۱. مجمع البیان، ج ۸، ص ۳۱۳.

۲. فرقان / ۷۲.

۳. الکافی، ج ۶، ص ۴۳۲؛ دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۲۰۹، ح ۷۶۶؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۲۰.

امام رضا علیه السلام می پرسد: سرورم، هشام بن ابراهیم عباسی می گوید: شما به او اجازه داده‌اید موسیقی بشنود و برای او حلال کرده‌اید. حضرت می فرماید: «كَذَبَ الرَّنْدِيُّ، إِنَّمَا سَأَلَنِي عَنْ ذَلِكَ فَقُلْتُ لَهُ: إِنَّ رَجُلًا سَأَلَ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام عَنْ ذَلِكَ، فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ: إِذَا مَيَّرَ اللَّهُ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ فَأَيُّنَ يَكُونُ الْغِنَاءُ؟، فَقَالَ: مَعَ الْبَاطِلِ، فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ: قَدْ قَضَيْتَ؛^۱ این مرد رباکار دروغ می گوید، در این باره از من پرسید، به او گفتم: شخصی از حضرت باقر علیه السلام از این موضوع پرسید، و آن حضرت در پاسخ فرمود: «هنگامی که خدا حق و باطل را جدا کند غنا در کدام صف قرار می گیرد؟ آن مرد پاسخ داد: غنا در صف باطل قرار می گیرد. آن‌گاه امام باقر علیه السلام فرمود: «[خوب] داوری کردی.»

□ امام صادق علیه السلام می فرماید: «بَيَّتْ الْغِنَاءُ لِأَتَوْمَنْ فِيهِ الْفَسْحَةُ، وَلَا تَجَابَ فِيهِ الدَّعْوَةُ، وَلَا يَدْخُلُهُ الْمَلِكُ؛^۲ خانه غنا، خانه‌ای است که نه از مرگ ناگهانی در امان است و نه دعا در آن مستجاب است و نه فرشته در آن وارد می شود.» □ امام باقر و امام صادق علیه السلام:

«الغناء عَشُّ النِّفَاقِ...؛^۳ غنا لانه نفاق است.»

□ حضرت باقر علیه السلام: «مَجْلِسُ الْغِنَاءِ مَجْلِسٌ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ (عَزَّ وَجَلَّ) إِلَى أَهْلِهِ، وَالْغِنَاءُ أَخْبَثُ مَا خَلَقَ اللَّهُ (تَعَالَى) وَالْغِنَاءُ يُورِثُ النِّفَاقَ وَيَعْقِبُ الْفَقْرَ؛^۴ جلسه غنا، نشستی است که خدا به اهل آن، نظر [رحمت] ندارد و غنا خبیث‌ترین چیزی است که خدای تعالی آفریده است و نفاق می آورد و فقر [و فلاکت] در پی دارد.» □ حضرت صادق علیه السلام فرمود: «أَمَّا يَسْتَحْيِي أَحَدَكُمْ أَنْ يَغْتَنِيَ عَلَى ظَهْرِ ذَاتَيْهِ وَهِيَ تُسَبِّحُ؛^۵ آیا یکی از شما حیا نمی کند که سواره بر مرکب غنا می خواند با این که آن حیوان، تسبیح خدا را می گوید؟»

باب ۳. نهی از غنا در قرائت قرآن کریم

رسول اکرم صلی الله علیه و آله: «اقْرَأُوا الْقُرْآنَ بِاللِّحَانِ الْقَرِيبِ وَأَصْوَاتِهَا، وَإِيَّاكُمْ وَلِحُونَ أَهْلِ

۱. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۶۷۲.
۲. الکافی، ج ۶، ص ۴۳۳؛ الوافی، ج ۱۷، ص ۲۱۴؛ وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۳۰۳.
۳. ثواب الأعمال، ص ۵۵۴؛ بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۱۶۲.
۴. دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۲۰۷، ح ۷۵۶.
۵. المحاسن، ص ۳۷۵، کتاب السفر، ح ۱۴۴.

إِنَّ هَذَا سُخْتٌ، وَتَعْلِيمُهُمْ كُفْرٌ وَالْإِسْتِمَاعُ مِنْهُمْ نِفَاقٌ وَكَمَنُوهُمْ سُخْتٌ؛^۲ من نیازی به این پول ندارم، واقعاً این پول، نامشروع است و آموزش آنان کفر است و شنیدن از آنان نفاق است و قیمتشان حرام است.»

در روایت دیگری چنین تعبیر شده است: «إِنَّ كَسَمَنَ الْكَلْبِ وَالْمُعْتَبِيَةَ سُخْتٌ؛^۳ به راستی قیمت سگ و کنیز مغنیه حرام است.»

□ در توقیعی که از ناحیه مقدسه امام زمان علیه السلام توسط محمد بن عثمان عمری - نایب خاص حضرت - رسیده، چنین آمده است: «... وَأَمَّا مَا وَصَلْنَا بِهِ فَلَا نَقُولُ عِنْدَنَا إِلَّا لِمَا طَابَ وَطَهَّرَ، وَكَمَنُ الْمُعْتَبِيَةَ حَرَامٌ...»^۴ و اما آن پولهایی که آوردی، ما نمی پذیریم جز آنچه پاک و پاکیزه باشد و قیمت کنیز آوازه خوان حرام است.»

باب ۵. آلات لهو و لعب

در این باب ضمن ۱۸ صفحه، ۳۶

الْفِسْقِ وَأَهْلِ الْكِبَايَرِ فَإِنَّهُ سَيَجِيءُ مِنْ بَعْدِي أَقْوَامٌ يَرَجِعُونَ الْقُرْآنَ تَرْجِيعَ الْغِنَاءِ وَالنُّوحِ وَالرَّهْبَانِيَّةِ، لَا يَجُوزُ تَرَاثِمَهُمْ، قُلُوبُهُمْ مَقْلُوبَةٌ وَقُلُوبٌ مَنْ يُعْجِبُهُ شَأْنُهُمْ؛^۱

قرآن را با لحنها و آوازهای عرب بخوانید و از لحنهای بدکاران و اهل گناهان کبیره دوری کنید؛ زیرا که پس از من مردمانی آیند که قرآن را چون خوانندگی غنا و نوحه خوانی و رهبان مآبی در حنجره بچرخانند، چنین قرائتی از گلوگاه آنان نگذرد، دلشان وارونه است، و دل هر که از آنها خوشش آید [هم وارونه است].»

باب ۴. قیمت مغنیه و درآمدش

□ ابراهیم بن ابی البلاد گوید:

اسحاق بن عمر چند چاریه مغنیه داشت، در وقت مرگش سفارش کرد آنان را بفروشیم و پولش را نزد امام کاظم علیه السلام ببریم. من نیز - طبق وصیت - آنان را به سیصد هزار درهم فروختم و پولش را نزد امام علیه السلام بردم و عرض کردم: یکی از دوستان شما چنین سفارشی کرده است، انجام دادم و اینک پولش را تقدیم می کنم.

حضرت فرمودند: «لَا حَاجَةَ لِي فِيهِ؛

۱. الکافی، ج ۲، ص ۴۵۰.

۲. الکافی، ج ۵، ص ۱۲۰.

۳. تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۳۵۷، ح ۱۰۲۱؛

الاستبصار، ج ۳، ص ۶۱، ح ۲۰۴.

۴. الغيبة للطوسی، صص ۱۷۶ - ۱۷۷؛ کمال

الدین، صص ۴۸۳ - ۴۸۵؛ وسائل، ج ۱۷، ص ۱۲۳.

روایت در تحریم آلات موسیقی آمده است:

۱. مأمون از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام خواست تا امام، ایمان را برایش توصیف نماید. آن حضرت نوشت: «...الْإِيمَانُ هُوَ أَدَاءُ الْأَمَانَةِ... وَاجْتِنَابُ الْكِبَائِرِ، وَهِيَ قَتْلُ النَّفْسِ... وَالْمُحَارَبَةُ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ (تعالی)، وَالْإِسْتِعْضَالُ بِالْمَلَأَمِيِّ، وَالْإِضْرَازُ عَلَى الذُّنُوبِ...»^۱ ایمان؛ یعنی ادای امانت و... و دوری از گناهان کبیره که عبارت است از خونریزی و... و جنگ با اولیای خدای تعالی و سرگرمی به آلات لهو و اصرار بر گناهان و...»

۲. از امام صادق علیه السلام دربارهٔ خمر پرسیدند. حضرت فرمود: «قال رسول الله صلى الله عليه وآله، ... إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَبْعَثُنِي رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ، وَالْأَمْحَقَّ الْمَعَارِفَ وَالْمَزَامِيرَ وَأُمُورَ الْجَاهِلِيَّةِ وَأَوْثَانَهَا وَأَزْلَامِيهَا...»^۲ پیامبر خدا ۹۱ فرمودند: خدای تعالی مرا جهت رحمت برای همه جهانیان برانگیخت و [مرا مبعوث کرد] تا [بازار گناه مثل] تیرهای قمار، سازها و کارهای جاهلی و بتها و بدعتها و... را براندازم.»

۳. قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «أَنْهَاكُمْ عَنِ الرَّقَنِ

وَالْمُرْمَارِ وَعَنِ الْكُرْبَاتِ وَالْكُبْرَاتِ؛^۳ شما را از بازی دف، ساز و نی، نرد و دایره و طبل و تنبور باز می‌دارم.»

۴. در چند روایت از حضرت صادق علیه السلام این مضمون رسیده است: «در منزلی که چهل روز تار و تنبک (آلات موسیقی) به کار رود، خداوند شیطانی را به نام قَفَنَدِر بر آن مسلط می‌کند و او به تمام اندام صاحب خانه می‌نشیند و در او می‌دمد، پس از آن، حیا و غیرت از او برداشته می‌شود، به گونه‌ای که برایش مهم نیست هرچه درباره‌اش بگویند و هرچه با ناموشش انجام دهند.»^۴

۵. ابو صلب هروی از حضرت امام رضا علیه السلام و او از پدران بزرگوارش از علی علیه السلام دربارهٔ علت عذاب اصحاب الرس چنین نقل می‌کند: «...يَشْرَبُونَ الْخَمْرَ، وَيَضْرِبُونَ بِالْمَعَارِفِ وَيَأْخُذُونَ الدُّسْتَبِنْدَ... وَلَا يَتَكَلَّمُونَ مِنَ الشُّرْبِ

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۶۱، ۲۷۴، ۲۷۸ و ۲۸۹؛ تحف العقول، صص ۴۲۲-۴۲۳.
 ۲. أمالی الصدوق، ص ۳۳۹، المجلس ۶۵، ح ۱.
 ۳. الکافی، ج ۶، ص ۴۳۲؛ الوافی، ج ۱۷، صص ۲۱۰-۲۱۱؛ وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۱۳.
 ۴. الکافی، ج ۶، صص ۴۳۳-۴۳۴، ح ۱۴ و ۱۷.

هم داشت، قدری خوانندگی و نوازندگی کرد و بنده تا عصر آنجا بودم.

امام علیه السلام با ناراحتی فرمود: «وَيَحْكُ، أَمَا خِفْتَ أَمْرَ اللَّهِ أَنْ يَأْتِيكَ وَأَنْتَ عَلَى تِلْكَ الْحَالِ؟ إِنَّهُ مَجْلِسٌ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَى أَهْلِهِ، الْغِنَاءُ أَحَبُّ مَا خَلَقَ اللَّهُ (عَزَّوَجَلَّ)؛^۱ وای بر تو آیا نترسیدی که در چنان وضعی امر خدا (مرگ) سراغت آید؟ به راستی آن مجلسی است که خدا به اهل آن نگاه نمی‌کند؛ غنا خبیث‌ترین آفریده خدای عزوجل است.»

توبه

مسعدة بن زیاد گوید: در محضر حضرت صادق علیه السلام بودم، مردی عرض کرد: پدر و مادرم فدایت! صدای آواز کنیزانِ رامشگر همسایه، به دستشویی ما می‌رسد و هنگامی که آنجا می‌روم، گاهی بیشتر می‌نشینم تا خوانندگی و

وَالْعَزْفُ...^۱ [از جمله علل عذاب اصحاب رس این بود که] شراب می‌خوردند، تار و تنبک می‌زدند و دستان می‌گرفتند و از اینها نهی نمی‌کردند.»

باب ۶. استماع غنا و تار

ایجاد نفاق، فقر و گرفتاری

□ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «اِسْتِمَاعُ الْغِنَاءِ وَاللَّهُوُ يُنْبِتُ النَّفَاقَ فِي الْقَلْبِ كَمَا يُنْبِتُ الْمَاءُ الرَّزْعَ؛^۲ شنیدن غنا و [اشعار] بی‌یهوده، در دل نفاق می‌رویاند؛ همان گونه که آب، زراعت را می‌رویاند.»

□ امام علی علیه السلام: «...كثرة الاستماع إلى الغناء يورث الفقر؛^۳ پُر شنیدن موسیقی فقر آور است.»

□ چند روایت از امام صادق علیه السلام بدین مضمون رسیده است: حضرت از یکی از یارانش می‌پرسد: «دیروز کجا بودی؟» آن مرد می‌گوید: دانستم که امام علیه السلام با خبر شده است، از اینرو عرض کردم: فدایت شوم، در راه می‌رفتم، فلانی مرا دید، دستم را گرفت و با اصرار به منزل خود کشانید و به زور ما را نگاهداشت؛ کنیز آوازه خوانی

۱. علل الشرائع، ج ۱، صص ۴۰-۴۲؛ عیون اخبار

الرضا علیه السلام، ج ۱، صص ۴۱۸، ۴۲۲.

۲. الکافی، ج ۶، صص ۴۳۴.

۳. الخصال، صص ۵۰۵.

۴. الکافی، ج ۶، صص ۸۳۴؛ الوافی، ج ۱۷،

صص ۲۱۶؛ دعائم الاسلام، ج ۲، صص ۲۰۷-۲۰۸؛

مستدرک الوسائل، ج ۱۳، صص ۲۱۲-۲۱۳.

قرآن را با لحنها و آوازهای
عرب بخوانید و از لحنهای
بدکاران و اهل گناهان کبیره
دوری کنید؛ زیرا که پس از
من مردمانی آیند که قرآن
را چون خوانندگی غنا و
نوحه خوانی و رهبان مآبی
در حنجره بچرخانند، چنین
قرائتی از گلوگاه آنان
نگذرد، دلشان وارونه
است، و دل هر که از آنها
خوشش آید [هم وارونه
است].

نوازندگی آنها را بشنوم. حضرت
فرمود: «چنین مکن.» آن مرد عرض
کرد: به خدا قسم نزدشان نرفتم، تنها
صدایی است که می شنوم. آن گاه

حضرت فرمودند: «لله أنت! أما سمعت الله
(عز وجل) يقول: ﴿إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ
كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾؛ خدا به
دادت برسد، آیا سخن خدای عز وجل
را نشنیده‌ای که می فرماید: «براستی از
[تمامی] شنیدن و دیدن و دل
بازخواست خواهد شد.» آن مرد
عرض کرد: این چنین است، ولی گویا
تاکنون این آیه قرآن کریم را از هیچ
عرب و عجمی نشنیده بودم؛ بنابراین -
به خواست خدا - دیگر تکرار نمی‌کنم
و جداً از خدا آمرزش می‌طلبم. آن گاه
امام علیه السلام فرمودند: «بلند شو و غسل کن و
هر چه می‌توانی نماز بخوان، براستی که تو
برنامه بسیار بدی داشتی. چقدر حالت بد
بود اگر بر همین حال و وضعیّت مرده
بودی. حمد و سپاس الهی را به جا آور و
توبه کن. آمرزش بخواه از هر چه ناپسند
بوده است؛ زیرا خدا جز کارهای قبیح و
زشت را بد نمی‌شمارد و کار قبیح را برای
اهلش واگذار؛ زیرا هر کاری اهلی دارد.»^۲

۱. اسراء/ ۳۶.

۲. الکافی، ج ۶، ص ۴۳۲؛ الفقیه، ج ۱، صص ۴۵ -

۴۶، ج ۱۷۷؛ تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۱۱۶،

ح ۳۰۴؛ الوافی، ج ۱۷، صص ۲۱۱-۲۱۲.